

Semantic field of "piety" in the Qur'an and its reflection in the Court of Sharif Razi

Nasrollah Shameli¹, Ali Banaeiyan Esfahani² Faezeh Pasandi^{3*}

1- Professor Department of arabic language and literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran
shairih@gmail.com

2- Academic Member of Ma'aref Quran University, Isfahan, Iran
sghotbi@shahed.ac.ir

3- PhD Candidate, University of Kashan, Kashan, Iran
fdavoudy@gmail.com

Abstract

Asceticism, sensual phenomenon that has deep cultural roots and amongst nations, each of which refer to different interpretations; In the Islamic culture, including a concept which has a major effect on human life and social relations between individuals This research is descriptive-analytic approach to the issue of asceticism and draw the right semantics And explore the relationship between advanced components and other systemic moral vocabulary related in the Qur'an deals And perhaps each of these components itself, meaning the system (subsystem) form that leads to draw a semantic network-wide. The technical aspects of the great Shi'a scholars and poets Court, Sharif Razi is studied And the power and ability of the poet to understand the words and meanings of the Quran to follow the awakening of spiritual and intellectual trends reveals Abbasid And attempts to flavor teaching the values of Islam and in particular Shia reveal. Finally, using the right semantics of positive piety by Sayed Sharif Razi educational approach is fraught with numerous references to the combination of emotion and wisdom and expressive styles accompanied And by citing Quranic verses and Shiite nature of worldly offers a complete program.

Keywords: The Holy Quran, Semantics, Piety, Sharif Razi.

*Corresponding Author

میدان معناشناختی «زهد» در قرآن و بازتاب آن در دیوان شریف رضی

نصرالله شاملی^۱، علی بنائیان اصفهانی^۲، فائزه پسندی^{۳*}

۱- استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

dr_nasrollashameli@yahoo.com

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه معارف قرآن، اصفهان، ایران

banaeian.ali@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

faezehpasandi@gmail.com

چکیده

زهد پدیده‌ای نفسانی است و ریشه‌های عمیق فرهنگی و دینی در میان ملت‌ها دارد. ملت‌ها از زهد به تعبیر مختلف یاد می‌کنند و در فرهنگ اسلامی از جمله مفاهیمی است که تأثیر مستقیم و بسزایی بر زندگی فردی و روابط اجتماعی میان افراد دارد. در این پژوهش با شیوه‌ی وصفیتحلیلی، موضوع زهد، بررسی و میدان معناشناسی آن ترسیم می‌شود؛ همچنین رابطه میان اجزای پیشرفته سیستماتیک آن و دیگر واژگان اخلاقی مرتبط با آن در قرآن کریم کشف می‌شود و چه‌بسا هریک از این اجزاء به‌خودی‌خود، سیستم معنایی دیگر (زیرسیستم) را تشکیل دهند که به ترسیم یک شبکه معنایی گسترده منجر می‌شود. سپس ابعاد فنی آن در دیوان عالم و شاعر بزرگ شیعی، شریف رضی، واکاوی می‌شود و میزان قدرت و توانایی شاعر در فهم الفاظ و معانی قرآن را به دنبال بیداری روحی و گرایش فکری عصر عباسی آشکار می‌کند و تلاش دارد تا با صبغه‌ای تعلیمی، ارزش‌های اسلامی و مخصوصاً شیعی را آشکار کند. درنهایت به‌کارگیری میدان معناشناختی زهد ایجابی سیدشریف رضی با رویکرد تعلیمی مملو از اشارات فراوانی است که با آمیخته‌ای از عاطفه و حکمت و اسالیب بیانی همراه شده است و با استناد به آیات قرآنی و با صبغه شیعی، برنامه کاملی را برای زندگی دنیوی و اخروی ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، معناشناسی، زهد، شریف رضی.

۱- مقدمه

انسان همواره نیازمند برنامه‌ای عملی و هدفمند برای دستیابی به سعادت و کمال است و این برنامه محوری بر زیربنای فکری و اعتقادی قائم بر تعادل و توازن میان تمامی نیازها و ارزش‌های انسانی استوار است؛ به طوری که قرآن کریم - مرجعی بدون نقص - بخش گسترده‌ای از برنامه کمال و سعادت را برای انسان کامل، این قهرمان ارزش‌های انسانی در میدانی مختلف بشری، عرضه و با گذر از دنیا و متاع فانی آن به سوی سعادت ابدی رهنمون می‌کند.

بنابراین انسان کامل، ضمن بهره‌گیری از این برنامه محوری و با استعانت از سلاح زهد، سر تعظیم در برابر معبود بر سجده می‌ساید و این بندگی محض، چشمه‌های حکمت و بصیرت را در قلب او جاری می‌سازد.

و این بدین معنا نیست که زاهد همانند رهبانان در طریق زهد به تنسک و عزلت تام روی آورد؛ بلکه از دیدگاه قرآن کریم، زهد بر تعادل و توازن میان زندگی دنیا و آخرت، اکتفا به مقدار کم و دوری از حرص و طمع دلالت دارد و به دنبال آن، شعر زهد در عصر عباسی با تأثیرپذیری و به پیروی از این آموزه‌ها با هدف دعوت به فضائل پسندیده و گرامیداشت ارزش‌های اخلاقی در نفوس افراد جامعه شکل گرفت که بر جوانب ابداع در تضمین معنا دلالت می‌کرد (قتامی، ۲۰۰۸، ص ۲۰۸).

درخور ذکر است در بحث معناشناسی، سلسله ارتباطات یک پدیده با دیگر پدیده‌های هم‌زمان، بررسی معنایی شده و با تدوین سیستم‌های خرد و کلان، نتایج حاصل از ورای آن به استنباطات

معناشناختی منجر شده است و در این میان، زهد از جمله واژگان چند معنایی است که در کیفیت معنای کلام رکن اساسی را بر عهده دارد. پالمر در این باره می‌گوید:

«در زبان، تنها واژه‌های مختلف با معانی گوناگون وجود ندارد؛ بلکه ما به بعضی از واژه‌ها برمی‌خوریم که به خودی خود از چند معنی برخوردارند؛ این مسئله را چند معنایی می‌نامیم» (پالمر، ۱۳۶۶، ص ۱۱۵).

به عبارت دیگر، اشتراک معنوی در بردارنده یک لفظ با مفهومی کلی و عام است که چندین وجه معنایی از آن منشعب می‌شود و در زیر چتر مفهوم کلی لفظ قرار می‌گیرند؛ بنابراین، یک لفظ با حفظ هویت مفهومی خود با توجه به شرایط و موقعیت‌های پیش‌آمده بر چند معنا دلالت می‌کند و مصادیق گوناگونی می‌یابد که با توجه به شرایط خاص از ویژگی‌های متعددی برخوردار می‌شود و کاربردهای وسیع می‌یابد. تلاش اصلی در جهت اطلاع و کشف این نشانه‌ها و شکل‌های چند معنایی برای دستیابی به راه‌های مشخص تحلیل معانی اصلی است که سبب کشف ابعاد تازه‌ای از معانی و موجب ژرف‌نگری و ژرف‌کاوی محقق بر اثر می‌شود (الجوزیه، ۱۹۹۴، ج ۲، ص ۳۰).

۱-۱- نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر

عباسی

با نگاهی گذرا به عصر عباسی با جامعه‌ای مملو از گرایش‌ها و کشمکش‌های فکری و عقیدتی مختلف روبه‌رو خواهیم شد؛ به طوری که شکل‌گیری مذاهب مختلف کلامی، فلسفی و عقیدتی را به دنبال داشت. در این میان، زهد در کنار دیگر اغراض

است در این عصر، الحان زهد از الحان مجنون کمتر نبود (الضیف، ۱۹۷۶، ص ۱۰۰).

۱-۲- پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌های مرتبط موارد زیر هستند:

- صالح، عظیمه (۱۳۸۱)، کتاب «معناشناسی واژگان قرآن»، مترجم حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.

- سلیمیان، کبری (۱۳۹۱)، پایان‌نامه «الزهد فی نهج البلاغه و دیوان الشریف الرضی»، دانشگاه اصفهان.

- لطفی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، مقاله «بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو» نشریه پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، سال ۳، ص ۳۹.

- هاشمیان، مریم (۱۳۷۸)، پایان‌نامه «مفاهیم دینی و اخلاقی در شعر شریف رضی»، آبدان: دانشگاه آزاد خرمشهر.

در این میان، پژوهش مستقلی در حوزه معنایی زهد از منظر الفاظ و معانی قرآن کریم و میزان تأثیر آن در دیوان شریف رضی در چارچوب ادبیات اسلامی یافت نشد و هدف این پژوهش کشف این رابطه معنایی از خلال قرآن کریم و دیوان شعری این عالم بزرگ شیعی است.

۱-۳- سؤالات پژوهش

این مقاله براساس شیوه‌ی وصفی تحلیلی است و تلاش دارد تا سؤالات زیر را بررسی کند:

میدان معناشناسی سیستماتیک زهد و ارتباط آن با دیگر واژگان اخلاقی چگونه است. بارزترین نشانه‌های این میدان در قرآن کریم چگونه است. بهره‌گیری شریف رضی از این میدان سیستماتیک در

شعری همچون لهو و مجنون - واکنشی ضد شدوذ خلقی و دینی رایج در آن عصر - رشد کرد و فقر و واقعیت‌های دردناک زندگی نظیر آزار، قتل و آوارگی علویین را محکوم کرد (نوفل، ۱۹۸۱، ص ۱۸۱)؛ و از جمله مهم‌ترین مضامین آن، دعوت به خویشنداری، پرهیز از وسوسه‌های نفسانی و اندوختن توشه برای آخرت در کنار ورع و تقوی بود. عالم بزرگ شیعی، شریف رضی، از میان برجسته‌ترین شاعران زهد در این عصر، شعر تعلیمی خود را در خدمت بیداری روحی و جهت‌دهی گرایش فکری قرار داد. با توجه به آنچه گفته شد عوامل مؤثر بر ظهور ادبیات زهد اسلامی در این عصر در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. عامل سیاسی: شامل تنوع حکومت‌ها، کشمکش‌ها و فتنه‌های داخلی و خارجی، ناامنی؛

۲. عامل دینی: شامل کثرت زاهدان، عابدان و رجال دین؛

۳. عامل اقتصادی: شامل ظهور انواع مظاهر خوشگذرانی، اسراف و صرف اموال و از سوی دیگر، فقر و مشکلات معیشتی؛

۴. عامل اجتماعی: شامل کثرت لهو و لعب، ازدیاد انواع فرهنگ‌های اجنبی و تفاوت جنس‌های مختلف بشری (شعراوی، ۱۹۶۹، ص ۲۷۷).

این درحالی‌است که همه این عوامل در پیشبرد حرکت زهد و رشد آن در عصر عباسی تأثیر بسزایی داشت؛ به‌طوری‌که بنای اسلامی خالص یافت و جزء مهم‌ترین اغراض جدید ادبی در عصر عباسی قرار گرفت. در همین زمینه، دکتر شوقی ضیف معتقد

قلب مخاطب رسوخ می‌یابد و او را به تأمل و تفکر وامی‌دارد و با الگوپذیری از آموزه‌های قرآنی و ارائه الگوی بی‌مانند برای نسل‌های بعدی، منبعی ارزشمند برای علما و ادبا و پژوهشگران به شمار می‌آید:

وَشِعْرِي تَخْتَصُّ الْقُلُوبُ بِحِفْظِهِ
وَتَحْطِي بِهِ دُونَ الْعِيُونِ الْمَسَامِعِ
وَأَوْلَىٰ بِهِ مَنْ كَانَ مِثْلَكَ حَازِمًا
يَذَبُّ عَنِ اطْرَافِهِ وَيَقَارِعُ
سَتَظْفَرُ مِنْ نَظْمِي بِكُلِّ قَصِيدَةٍ
كَمَا حَلَّتِ اللَّيْلَ النُّجُومُ الطَّوَالِعِ
تُضِيُّ قَوَائِمَهَا وَرَاءَ بُيُوتِهَا
طِرَاقًا، كَمَا يَتَلَوُ النَّصُولَ الْقَبَائِعِ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۶۰)

الذَّبُّ: دفع و منع و طرد (ابن‌منظور، ج ۱، ص ۳۸۰): قَبَعَ النِّجْمُ: ظاهر و سپس مخفی شد (همان، ج ۸، ص ۲۵۹).

۳- تعریف زهد

زهد از زمره واژگان کلیدی است که در مسیر تطور معنایی خود، صورت‌های گوناگونی را پذیرفته است و این در اثنای کتب مختلف لغوی درخور مشاهده است. به‌عنوان نمونه از نظر صاحب تاج‌العروس «زَهْدٌ فِيهِ وَعَنَهُ» بدین معناست که آن را ترک گفت و از آن رویگردان شد (زیبیدی، ۱۴۱۴: ماده زهد). از نگاه ابن‌منظور نیز براساس نظر علمای زبان‌شناسی «زهد» ضد رغبت و حرص برای دنیا و «الزهاده» در تمامی اشیا است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹۷): و از نظر اصطلاحی، زهد را به معنای بازداشت از گناه، ترک ماسوی الله، اجتناب از تمامی امور دنیا با تخلیه آن از قلب و در بیانی دیگر، به

دیوانش با توجه به عصری که در آن زیست می‌کرده است را تبیین کنید.

۲- معرفی شریف رضی

ابوالحسن محمد بن طاهر ذوالمناقب سال ۳۵۹هـ در خانواده سادات هاشمی و علمای بزرگ مذهب امامیه جعفری در بغداد متولد شد. وی با وجود جایگاه رفیع علمی، سیاسی، اجتماعی و دینی، درنهایت زهد و تقوی زندگی کرد و حالات کشف و کرامات عرفانی و افق وسیع فکری داشت؛ آن‌چنان که اثری عمیق و نیکو در حیات فکری و ادبی عرب اسلامی داشت (نورالدین، ۱۴۱۱، ص ۵). تلاش این شاعر بزرگ هم‌زمان با مصائب، فتنه‌ها و نابسامانی‌های سیاسی و دینی و اجتماعی در دولت اسلامی در جهت علاج و درمان آن و همچنین تهذیب نفس و دستیابی به ارزش‌های والای انسانی بود و تلاش داشت تا جامعه اسلامی را به سمت جهاد در جبهه عمل و مساعدت و مراقبت و پرورش فطرت و عبودیت مطلق خداوند عزوجل رهنمون کند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۳۵). ازجمله آثار ارزشمند او «نهج البلاغه»، «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل»، «تلخیص البیان فی مجازات القرآن»، «خصائص الأئمه»، «مجازات الآثار النبویه» و «دیوان شعر» است (فاخوری، ۱۳۸۵، ص ۶۶۸).

دیوان شعری این نابغه گرانمایه و شاعر بزرگ بر گرایش زاهدانه، آزادی و عمق تفکر، احساسات پاک و همت عالی او دلالت دارد؛ به‌طوری‌که در کنار دیگر اغراض مختلف شعری چون فخر، رثا، شکوی و حکمت.. سروده شده است (فروخ، ۱۹۷۲، ج ۳، ص ۵۹)؛ و شامل معانی دور و نزدیک است که در

نصاری و مرتاضان) نیست؛ زیرا این امور با رشد و ترقی انسان در تعارض است و جز بدعت نیست، آن‌چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَرَهْبَانِيَّةُ ابْتَدَعُوهَا﴾^۷ بلکه اسلام از حرام دنیا تحذیر و بر عمل صالح ترغیب می‌کند و میان دنیا و آخرت راهی اتخاذ می‌کند که همان جمع میان خیر دنیا و آخرت است: ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۸ و دنیا را مزرعه‌ای برای آخرت قرار می‌دهد.

بنابراین، زهد حقیقی و مطلوب آن است که ضمن ردّ زهد سلبی، انسان را به بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا^۹ در حد نیاز (منوط به اینکه مالک هیچ چیز نباشی و هیچ چیزی هم مالک تو نباشد) و برکات وجود و ارتباط با دیگران برای وصول به کمال ترغیب کند (علی‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۷) و ضمن بازداشت او از گناه، به یاری‌رساندن دیگران و زکات هرآنچه مازاد حاجت است تشویق می‌کند: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^{۱۰} و از این منظر، کاربرد دعوت به زهد ایجابی برای تربیت جامعه‌ای نمونه به شمار می‌آید (نورالدین، ۱۴۱۱، ص ۱۷).

شریف رضی نیز با الگو قرار دادن فرمان‌های قرآن کریم، بر بهره‌مندی از مال، وسیله‌ای برای رفع نیازها، تأکید کرده است و فقر و نیازمندی را از موجبات عذاب و هلاک می‌داند:

وَإِذَا نَعِمْتَ فَكُلْ شَيْءٌ مُمَكِّنٌ
وَإِذَا شَقِيتَ فَكُلْ شَيْءٌ عَازِبٌ
وَأَرَى الْغَنِيَّ مُطَاعِنًا بِشْرَائِهِ
أَعْدَائِهِ وَالْمَالُ قِرْنٌ غَالِبٌ
تَحْتُو عَلَىٰ عَيْبِ الْغَنِيِّ يَدُ الْغَنِيِّ
وَالْفَقْرُ عَن عَيْبِ الْفَتَىٰ بَحَاثٌ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۵)

معنای شکر بر حلال و صبر بر حرام می‌داند (همان، ص ۲۰۰). راغب نیز در باوری مشابه، الزهید را به چیز کم و الزَاهِدُ فِي الشَّيْءِ را رویگردان از او و راضی از او به کم عنوان می‌کند. (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۸۴) و از اینجا درمی‌یابیم که زهد از نظر کتب مختلف لغوی معنایی مشابه دارد و به‌وضوح بر معنایی وسیع‌تر از قناعت و ورع دلالت دارد (فیصل، ۱۹۶۵، ص ۲۰).

زهد از منظر عرفای اسلامی نیز به معنای ساقط کردن رغبت انسان از هر آن چیزی است که با او سروکار دارد (قاسانی، ۱۴۱۳، ص ۵۲، باب زهد).

لَنْ يَطْلُبُوا سِرِّهَا لِغِنَىٰ وَكُن يَتْرَكُوهَا لِإِزْهَادِهَا (محمدحسین، ۱۹۸۰، ص ۱۱۹)

لفظ زهد در قرآن کریم در یک موضع واحد^۱ و به معنای رغبت‌نداشتن و بی‌اعتنایی به‌کار رفته است. با توجه به معنی مأخوذ از مشتقات کلمه زهد در قرآن کریم واضح می‌شود که زهد اتجاه سلوکی است که انسان برای تخلی قلب از حب دنیا و شهوات و بهره‌گیری از دنیا به مقدار لازم و کسب حب و رضایت الهی و وصول به مقام قرب الهی برمی‌گزیند.

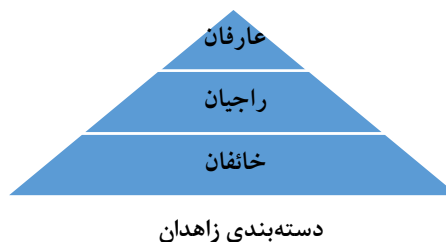
مهم‌ترین مضامین زهد اسلامی قائم بر آموزه‌های قرآن کریم است و اصل آن مبتنی بر دعوت واضح^۲ به عدم اشتغال به حیات دنیا و متاع آن^۳ است؛ زیرا عمل صالح^۴ و هدف قرار دادن آخرت بهتر از آن است^۵ و این همان اسلوبی است که مؤمن به آن حیات می‌یابد و نفس‌اش را به مجاهدت‌های روحی و بدنی وادار می‌کند (عبدالحلیم، ۱۹۷۵، ص ۲۹).

بر این اساس در شناخت معنی حقیقی زهد باید اذعان داشت که به معنای فقر و عقب‌ماندگی از حیات اقتصادی، استفاده‌نکردن از نعمات دنیا^۶ و گوشه‌نشینی، آوارگی و محبوس‌نکردن نفس (همانند

همچنین محاسن بی‌نیازی و عیوب فقر را چنین برمی‌شمارد:

«نعمت‌های دنیا وسیله دستیابی به هدف منشود است؛ بنابراین شخص با مالش در مقابل دشمنان می‌ایستد و در دست داشتن ثروت، عیوب بسیار را می‌پوشاند و اما فقر باعث بدبختی و عذاب انسان است و معایب او را میان مردم آشکار می‌سازد» (همان)

در این راستا تقسیم‌بندی درجات^{۱۱} زاهدان از پایین به بالا عبارتند از: الف) خائفان از آتش دوزخ و عذاب اخروی؛ ب) راجیان به اخذ ثواب و نعیم آخرت؛ ج: عارفان مشتاق مقام قرب الی الله (نراقی، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۷۴) که در این مقاله طبقه سوم الگوی اصلی است.



۴- میدان معناشناسی واژگان مرتبط با زهد

با تأمل در تطور دلالتی و سیر معناشناختی «زهد» و دقت در معنی حقیقی آن در قرآن کریم در می‌یابیم که قرآن کریم به ترسیم میدان معناشناسی واژگان مرتبط با زهد در یک سیستم پیشرفته می‌پردازد که این مقاله درصدد کشف این رابطه است و تعالیم این رائد عالی‌قدر شیعی نیز گواه آن خواهد بود.

به عبارت دیگر، تحلیل معناشناختی زهد نشان‌دهنده آن است که این واژه از واژگان کلیدی در اخلاق اسلامی به شمار می‌رود و رابطه سیستماتیک با دیگر واژگان اخلاقی دارد و به صورت یک واحد

مرتبط محسوب می‌شوند. در یک نگاه گذرا به تطور دلالتی و تحلیل سیر معناشناختی واژه (زهد) در می‌یابیم که این واژه با واژگانی نظیر «أمل»، «شکر»، «ورع»، «تقوا» و «صبر» ارتباط معنایی دارد و همچنین مهم‌ترین مضامین شعر زهد را تشکیل می‌دهد که عبارتند از:

۴-۱. حکمت و بصیرت؛

۴-۲. قصر أمل؛

۴-۳. شکر؛

۴-۴. توکل و قناعت؛

۴-۵. تقوا؛

۴-۶. صبر؛

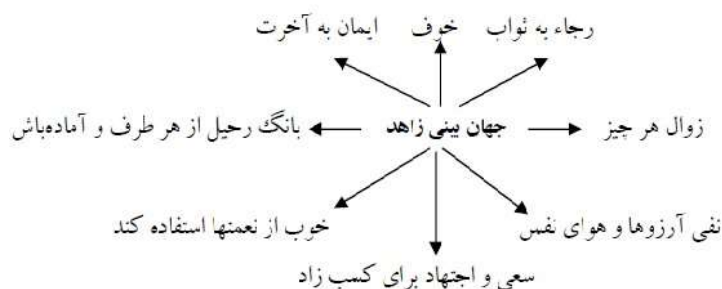
۴-۷. جهاد؛

۴-۸. زکات.

۴-۱- حکمت و بصیرت

زهد یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد حکمت و بصیرت و غفلت نورزیدن از وسوسه‌های شیطانی در قلب زاهد است. به عبارت دیگر، لازمه زهد سبک‌شدن وجود انسان برای فراغ از طبیعت دنیاست. زاهد به واسطه این حکمت زبانش گشوده می‌شود، شرح صدر می‌یابد و عیوب خود را در دنیا تشخیص می‌دهد و در رفع آنها می‌کوشد و سرانجام این حکمت، او را از دنیا به سلامت روانه ابدیت می‌کند (کاشانی، ۱۳۲۵، ص ۳۷۴).

لازمه نیل به بصیرت معرفت^{۱۲} است و معرفت، علمی است که انسان را به ارزش وجودی خویش رهنمون می‌سازد و او را از هلاکت در دام دنیا محفوظ می‌دارد؛ در نتیجه، جهان‌بینی خاص زاهد شکل می‌گیرد که از جمله واژگان مرتبط با آن موارد زیر هستند:



حرام است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۶۸). بنابراین «قصر الأمل = کم کردن آرزوها» و «شکر در برابر نعمت‌های الهی» و «ورع هنگام روبه‌روشدن با حرام» از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان است.^{۱۵}

بر اساس این، بالاترین درجه زهد، پست‌ترین درجه و رع و بالاترین درجه ورع، پست‌ترین درجه یقین و بالاترین درجه یقین، پست‌ترین درجه رضاست.^{۱۶} و رضا، عبارت از رفع کراهت و شیرین‌شدن تلخی‌های احکام قضا و قدر است و به همین دلیل، مقام رضا پس از توکل قرار دارد (کاشانی، ۱۳۲۵، ص ۳۹۹). بدین معنا که هر مصیبتی در راه نیل به مقام نورالانوار جزء مقدرات و قضا و قدر حتمی خود دانسته می‌شود و با تحمل آنها در روح و نفس و قلب خود، فضایی از فرج و سرور ایجاد می‌کند؛ به طوری که همه تلخی‌های سلوک به حلاوت مقام رضا و مشاهده حق (=نهایت مقام سالکان) تبدیل می‌شود.^{۱۷}

توکل → رضا → یقین → ورع → زهد
حکمت و بصیرت ناشی از زهد خود دربردارنده
دو ویژگی تخیلی از دنیا و توجه به آخرت است:

۴-۱-۱- تخیلی از دنیا

در اینجا مراد از دنیا، مظاهر طبیعی اعم از کوه، دریا، بیابان و... و مراد از دنیاطلبی، به طور مثال، علم‌اندوزی و مهارت‌ورزی با هدف رفع مشکلات

اشاره شد که قرآن، تنها در آیه ۲۰ سوره یوسف صراحتاً به واژه زهد اشاره دارد؛ اما با تأمل بیشتر درمی‌یابیم که قرآن، جهان‌بینی زاهدان و معیارهای زهد را در آیات متعدد تبیین کرده است^{۱۳} که بنا بر اتفاق مفسران بر زهد دلالت دارد.

بر اساس تقسیم‌بندی درجات زهد، جهان‌بینی زاهدان در سه دسته جای می‌گیرد: الف) معرفت اولیه: تَزَهُدْ یا اعراض از لذت‌های دنیا یا ترک محرمات (زهد واجب) با وجود میل به دنیا با مجاهدت نفس و مشقت با هدف کسب لذت‌های بهشتی جاودانه. ب) معرفت ثانویه: معاوضه کالای ناچیز با کالای برتر و با ارزش (اقاله بیع)؛ بدین معنی که زاهد در قبال معاوضه متاع دنیا، متاع آخرت را به دست می‌آورد و تمایل‌نداشتن به متاع دنیا به دنبال تمرین‌ها و ریاضات پی‌درپی و افزون معرفت او به نعیم آخرت و اعراض از حلال با ظن به آلودگی آن صورت می‌گیرد. ج) معرفت عالی^{۱۴}: عالی‌ترین مرتبه زهد، اعراض نکردن، بلکه گذشت با شوق و طوع و رضا از زخارف و امتعه مادی دنیا و کسب معرفت از ارزش‌نداشتن وجودی دنیا و رسیدن به کمال، معرفت، حکمت و یقین و ناشی از حب الهی است (نراقی، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۶۵). همچنین شامل اکتفا در امر حلال (خوراک، پوشاک، نکاح...) به مقدار حاجت به دنبال ترس از حساب بر حلال و ترس از عذاب بر

معرفی می‌کند که انسان با عذاب و سختی در آن داخل می‌شود و ناگزیر، پس از مدت کوتاهی از آن خارج می‌شود:

فَأُولَئِكَ الْعَنَاءُ، إِذَا طَلَعْنَا
إِلَى الدُّنْيَا، وَآخِرْنَا الذَّهَابُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۶)

همچنین شاعر نقص دنیا و لزوم ترک آن را این چنین تبیین می‌کند:

دُنْيَا تَضُرُّ، وَكَأ تَسُرُّ، وَذَا الْوَرَى
كُلُّ يَجَادِبُهَا، وَكُلُّ عَاتِبٍ

(همان، ج ۱، ص ۳۲)

شریف رضی با اشاره به خسران و عدم مسرت در دنیا، از احوال مردمان غافل در عجب است که بر سر متاع فانی آن در حال قتل و نزاع هستند و بر ترک حزن و اندوه بر دنیای فانی تأکید می‌کند^{۲۰}:

تَأْمَلُ أَنْ تَفْرَحَ فِي دَارِ الْحُزْنِ
وَتُوطِنُ الْمَنْزِلَ فِي دَارِ الضَّعْفِ

(همان، ج ۲، ص ۴۳۶)

شاعر تأمل و تفکر در بقا و اقامت در این خانه ناپایدار را عقلانی نمی‌داند؛ زیرا ناگزیر باید ترک آن گفت و آیا سعادت و شادی در منزل دارای این اوصاف فائده دارد. در نتیجه تکیه‌گاهی مطمئن برای انسان محسوب نمی‌شود:

لَا تَأْمَنِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ، فَإِنَّهَا
ذَاتُ الْبُعُولِ تُبَدِّلُ الْأَبْدَالَ

(همان، ج ۲، ص ۲۰۳)

شاعر براساس تجارب خود از حوادث و رویدادهای زندگی، بر روزگار و مردمانش خشم می‌گیرد و زبان به ذم دنیای فریبکار و مکار می‌گشاید که در عین خیانت، انسان‌ها را با عواقب اعمالشان

زندگی و جامعه نیست؛ بلکه در نظر عارفان و زاهدان، مراد اصلی، تعلق‌های نفسانی است که موجبات ذلت و زوال کرامت، علم و معرفت انسان و یا موجب ظلم و جور به غیر را فراهم می‌کند و از جمله مظاهر آن حرص، شک و تردید، شرک، ظلم، تجاوز و... است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، باب زهد).

شناخت عیوب و نواقص دنیا و غفلت‌نکردن از وقوع در شرک دنیا جزء مهم‌ترین مسائلی است که ذهن شعراء زهد را در طول قرن‌ها مشغول کرده است^{۱۸}. شاعر با بینشی عمیق، حقیقت دنیا را شناخته است و به شیوه‌ای خاص، ضمن الگوپذیری از فرمان‌های قرآن کریم، اهل تفکر را از وقوع در آن بر حذر می‌دارد؛ زیرا منزل قرار و جاودانگی نیست^{۱۹} بلکه زائل و خائن است؛ سپس با به‌کارگیری اسلوب ندا با لحنی برگرفته از حس تعجب، برای تنبیه مخاطب، اسلوب حوار را به‌کار می‌برد و فضایی دراماتیک ایجاد می‌کند:

هَيْهَاتَ، يَا دُنْيَا، وَبَرُّقِكَ صَادِقٌ
أَرْجُو، فَكَيْفَ إِذَا وَبَرُّقِكَ كَاذِبٌ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۵)

شاعر، دنیا را از مسیر خویش دور می‌کند و هیچ آرزویی از آن نزد خود ندارد و مخاطب خود را از زرق و برق دروغین و حيله‌گرایانه آن برحذر می‌کند و این شعر شامل عیوب دنیاست که معرفت آن، سنگ بنای زهد است. چنانچه اگر بنده حب دنیا را از قلب خود بیرون راند، خداوند سرچشمه‌های حکمت و بصیرت را در قلبش، جاری و نواقص دنیا را با چشم دل ادراک می‌کند و این همان چیزی است که خداوند آن را وسیله هدایت و نجات زاهدان قرار می‌دهد. این درحالی است که شریف رضی دنیا را گذرگاهی

۴-۱-۲- توجه به آخرت

موضوعات شعر زهد متنوع و گوناگون است و از میان آنها شاعران به موضوع مرگ بیشترین اهتمام را دارند؛ زیرا قوی‌ترین سلاح برای یادآوری حساب و تخویف است؛ آن‌چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾^{۲۱} و این نهایت حیات مادی ساحر و گواراست که انسان نمی‌تواند آن را دور و محال بداند و باید نسبت به تخریب قلب از یاد خدا هشیار باشد.

سیدرضی در اشعارش به شکل وعظی به تفکر در فلسفه مرگ و آمادگی برای سفر و عزیمت و رضایت به آنچه خداوند مقدر فرموده است اعم از سرنوشت و کوتاهی عمر و حتمیت مرگ و قدرت‌نداشتن انسان در برابر آن دعوت می‌کند:

رَأَيْتُ الْمَوْتَ يَبْلُغُ كُلَّ نَفْسٍ
عَلَى بُعْدِ الْمَسَافَةِ وَالْمَرَامِ
وَعُمُرُ الْفَتَى يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ
وَلَا عُمْرٌ يَقْرَأُ عَلَى التَّمَامِ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۰)

شاعر در این بیت صورت مرگی را ترسیم می‌کند که دیر یا زود در هر مکان انسان را درک می‌کند و بر نقصان مستمر عمر انسان و لزوم غنیمت‌شمردن فرصت عمر می‌پردازد؛ به طوری که تمامی ارواح سرانجام طعم مرگ را خواسته یا ناخواسته می‌چشند.

وَمَا يَعْلَمُ الْإِنْسَانُ فِي أَيِّ جَانِبٍ
مِنَ الْأَرْضِ يَأْوِي مِنْهُ فِي التُّرْبِ
جَانِبٌ

(همان، ج ۱، ص ۱۴۳)

تنها می‌گذارد. سپس شاعر برای فهم دقیق‌تر از شیوه تمثیل استدلال می‌آورد و دنیا را به زنی تشبیه می‌کند که ظاهری زیبا دارد؛ اما باطنی پرفریب و حيله‌گر است و علاوه بر وفادار نبودن و خیانت به همسرش، او را ترک می‌کند.

این بیت نمونه‌ای از اشعار شریف رضی است که جهان‌بینی شاعر را بیان می‌کند و بر شناخت عیوب دنیای فانی و تمایل و دلبستگی‌نداشتن او به مظاهر مادی اشاره دارد و متکی بر زهد، دارای نتایج عملی روشنگری و عامل وصول انسان به هدف اصلی و تضمین‌کننده سعادت دو دنیا است.

وَمِثْلِي لَا يَأْسَى عَلَيَّ مَا يَفُوتُهُ
إِذَا كَانَ عَقْبِي مَا يِنَالُ زَوَالُ

وَمَا رَأَيْتِي مِمَّنْ أَوْدُ تَمَلَّقُ
وَلَا عَرَبِي مِمَّنْ أَحَبُّ وَصَالُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۵)

شاعر به مدد عزت نفس متعالی با اشاره به عاقبت لذت‌های زودگذر دنیا، بر حزن و تأسف‌نداشتن بر فقدان این لذت‌های دنیا، تأکید و شادی برای دنیا که از شأن و منزلت انسان می‌کاهد را مانع رزق و نعمت الهی بیان می‌کند. و همچنین:

أَيَجْزَعُ الْمَرْءُ لِمَا فَاتَهُ
وَكُلُّ مَا يَدْرِكُهُ فَوْتُ
رُؤَيْدِكَ لَا يَغْرُكَ كَيْدُ الدُّنْيَا
هِيَ الْمِرْنَانُ مُصْمِيَةُ الرَّمَابَا

(همان، ج ۲، ص ۲۱۷)

شریف رضی در این بیت نیز انسان را به تأمل و دقت در امر دنیا دعوت می‌کند و در برابر مکر و فریبکاری آن به انسان آگاهی می‌بخشد.

نَعُضُّ عَلَى الْمَوْتِ الْأَنَامِلَ حَسْرَةً
وَإِنْ كَانَ لَا يَغْنَى غَنَاءً وَلَا يَجْدِي

(همان، ج ۲، ص ۳۷۸)

این ابیات عدم‌توان و علم انسان به تخمین مکان و زمان مرگش را یادآوری می‌کند؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾^{۲۲} و بیت دوم بر از دست دادن فرصت‌های پیش‌آمده در زندگی بیم داده است و بر به غنیمت شمردن فرصت عمر تشویق می‌کند؛ زیرا این فرصت‌ها با اتمام عمر پایان می‌پذیرد و امانی از آن نیست و حتی ثروت، قدرت، حسرت، فرزند و... نیز سودی ندارد^{۲۳} و به‌طور مساوی پیر و جوان، فقیر و غنی را از لذت‌های زودگذر دنیا دور می‌کند.

و این طرز تفکر مصدری است که بارقه‌های محصول آن شعر سراسر زهد است. شاعر همچون واعظی روانشناختی بر معرفت آخرت و ارزش حیات جاودان و تعمق فکری در باب زهد در دنیا تأکید دارد.

شاعر به دنیا به چشم عبرت می‌نگرد و آن را جز معبری کوچک و محلی ناپایدار برای آزمون نمی‌بیند، زیرا خداوند حکیم، اشرف مخلوقاتش را جایگاهی عظیم بخشیده و پس از این ایام معدود در دنیا^{۲۴}، برای او زندگی ابدی در آخرت مقدر کرده است که زهد مقدمه سعادت در آخرت است. سپس شاعر به حکمت عقلی‌اش در حقارت مادیات و منفعت زهد، بُعد فلسفی عظیم‌تری می‌بخشد و با اشاره به موت و زندگی اخروی ادامه می‌دهد:

وَمَا هِيَ إِلَّا سَاعَةٌ، وَهُوَ لَاحِقٌ
بِعَادِ إِلَى يَوْمِ الْمَعَادِ وَتَبِعَ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴۱)

لَيْسَ الْمَعَادُ إِلَى الدُّنْيَا بِمُتَّفِقٍ
وَلَا رُجُوعٌ لِمَنْ يَمْضِي بِهِ الْأَجَلُ

(همان، ج ۲، ص ۱۸۲)

تَرَكَ الدُّنْيَا، لِطَلِبِهَا
وَرَضَى بِالذُّونِ مُقْتَصِدًا
وَرَأَى أَنْ لَا نَجَاءَ لَهُ
فَمَضَى يَبْغِي النَّجَاءَ غَدًا

(همان، ج ۲، ص ۳۸۶)

در نظر شاعر مثل ناپایداری زندگی در دنیایی که طلب جاه و ثروت در آن غلبه دارد همانند داستان قوم عاد^{۲۵} است که در قصرهای برافراشته سکنی داشتند و دنیا آنها را به غفلت کشاند؛ درحالی‌که روزها به سرعت به سوی زندگی آخرت در حرکتند و تمامی انسان‌ها از اغنیا تا فقرا به سفری رهسپارند که بازگشتی از آن نیست تا زندگی جاودان را بر اساس اعمالشان در این دنیای فانی آغاز کنند.

۴-۲- قصر أمل

زهد به معنی کم‌کردن آرزو با هدف حفظ نعمت‌های موجود و سپاسگزاری از آنها و پرهیز از محرمات الهی و عقلی است. مراد از آرزو، آرزوهای دست‌نیافتنی^{۲۶} است که باعث غفلت و تأخیر در اهداف اساسی و ضروری زندگی می‌شود و مقصود از قصر آرزو آن است که انسان در سلوک و رفتارش واقع‌گرا باشد و با مسئولیت کامل در برابر خالق و مردم ظاهر شود؛ چه بسا آرزوهای بلند و طولانی (در باب ثروت، قدرت، شهرت و...) چون آتش، عمر کوتاه را نابود می‌کند.

شریف رضی با به‌کارگیری افعال امر که به نظر و سکون برای تأمل و عبرت‌آموزی و پندگیری دعوت

این ابیات انسان را بر استفاده از فرصت کوتاه و باارزش عمر تشویق می‌کند، و اینکه با آرزوهای محال موجبات اتلاف و کوتاهی آن را فراهم نکند؛ زیرا این آرزوها جز وسوسه‌های شیطانی نیست که با وعده‌های دروغین او را به سوی حسرت و بدبختی می‌کشاند و خداوند متعال ماهیت این آمال را چنین معرفی می‌کند: ﴿يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾^{۲۹}

۴-۳- شکر

هنگامی که زاهد با دید آگاه نسبت به هرآنچه خداوند به او عطا داشته راضی شده است و آن را جز رحمت و اسعه الهی نبیند، با تواضع سجده بندگی بجای می‌آورد و شکرگذاری می‌کند. بر اساس این، شریف رضی معتقد است که شکر از گرانبهاترین و ارزشمندترین نعمت‌هاست و این بیت بیان‌کننده آن است:

وَالشُّكْرُ أَنْفَسُ مَا وَجَدْتُ، وَإِنَّمَا
أَمَلُ الْفَتَى أَنْ يَقْبَلَ الْمَوْجُودُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۲)

شریف رضی در این ابیات براساس آیه شریفه ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^{۳۰} همچون واعظی متعهد و دلسوز همگان را به شکر نعمات فراوان الهی دعوت می‌کند که بر بندگان ارزانی شده است و درحالی است که خداوند متعال، غنی و بی‌نیاز از این شکرگذاری است و پیامبر(ص) زاهدترین مردم در مفهوم اسلامی است که آنچه را که خداوند مباح فرمود بر خود حرام نکرد؛ ولی حق نعمت را با شکر بجای آورد؛ آن‌چنان که شاعر می‌گوید:

می‌کند و با استخدام اسلوب تعلیمی از تلاش برای وصول به آرزوهای دور و دست‌نیافتنی برحذر می‌دارد و از خلال آن، مخاطب را به نظر و تأمل وامی‌دارد و سرنوشت و نهایت حتمی انسان را به او گوشزد می‌کند تا به آرزوها و حسرت‌های آخرت مبتلا نشود^{۲۸}:

لَا تَطْلُبُ الْغَايَةَ الْقُصْوَى فَتُحْرِمَهَا
فَإِنَّ بَعْضَ طِلَابِ الرِّيحِ خُسْرَانٌ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۰)

صرف آرزومندی ذاتاً حرام و مکروه نیست؛ اما طول آرزو مقدمه‌ای برای دنیاطلبی و افتادن در ورطه گناه و انحراف است و این درحالی است که تعلق خاطر به آرزوهای دست‌نیافتنی، ضرر و شر را برای طالب آن به دنبال دارد:

وَتُمَسِّي بِأَمَالٍ طَوَالٍ كَأَنَّهَا
أَمْنَا بَيَاتِ الْخَطْبِ دُونَ الْمَطَالِبِ

(همان: ج ۱، ص ۱۴۶)

در این بیت، شریف رضی به جهل و غرور انسان اشاره می‌کند که در دریای آرزوها غرق است؛ آن‌چنان که گویا از دست روزگار و حقیقت و مشکلات زمانه در امان است؛ غافل از آنکه کاخ آرزوها را ثباتی نیست و اتکا بر آن جز مصیبت و هلاکت به دنبال ندارد و انسان عاقل بر عمل و تلاش تکیه می‌کند، نه بر آرزوهای کوتاه و فانی:

كَثُرَتْ أَمَانِي الرِّجَالِ، وَلَمْ تَزَلْ
مُتَوَسِّعَاتٍ، وَالزَّمَانُ يَضِيقُ

(شریف‌رضی، بی‌تا: ج ۱، ص ۵۰)

وَالْأَمَانِي حَسْرَةٌ وَعَنَاءٌ
لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهَا تَعْلِيلٌ

(همان: ج ۱، ص ۱۸۸)

أَسْمَحَتْ الدُّنْيَا لَكُمْ وَأَعْرَضَتْ
صَنَائِعُ لَمْ تُحْسِنُوا اصْطِنَاعَهَا
رُذِّتْ عَلَيْكُمْ نِعْمٌ مَطْلُومَةٌ
لَمْ تَشْكُرُوهَا فَانظُرُوا انْقِطَاعَهَا

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۰)

شاعر در نهایت به عاقبت کفران نعمت اشاره می‌کند. اگر انسان زاهد، حق نعمت و رحمت‌های الهی را با ادای شکر بجا نیاورد، از الطاف او محروم خواهد ماند. استفاده از استفهام نشانه آن است که پرسشگر، پاسخ را جست‌وجو می‌کند و به نوعی دقت نظر، تأمل و اعمال عقل را می‌طلبد؛ بنابراین، زاهد بهترین یاری‌رسان در انجام وظیفه آگاهی‌بخشی به مردم از حقایق مکتوم و بیداری ایشان از خواب غفلت و بازداشت ایشان از دلبستگی به ظواهر دنیای فانی هستند.

۵-۴- توکل و قناعت

«توکل» با «قناعت» ریشه‌های مشترکی دارد و طبعاً فلسفه آن دو نیز از جهات فراوان به یکدیگر شباهت دارند. وطن اصلی «بی‌نیازی و عزت»، «توکل» معرفی شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، باب توکل).

زینت‌یافتن به جامه زهد و پرهیز از حب دنیا و کبح جماع آمال، حرص و طمع را در قلب سرد و خاموش می‌کند و بذر قناعت را در آن می‌کارد و این همان ثروتی که تمامی ندارد.^{۳۱}

توکل نیز از جمله صفاتی است که قرآن کریم به آن برمی‌انگیزد و جز مؤمنان و عقلا به آن زینت نمی‌کنند.^{۳۲} جماعتی که با ایمان قوی به خدا^{۳۳}، گشایش صدر می‌یابند و نفسشان قانع و مطمئن می‌شود و هیچ چیز بر آن مسلط نیست^{۳۴}؛ بنابراین

ایمانشان افزوده می‌شود و از تلاش برای تحصیل دنیا و مراتب دروغین آن دوری می‌گزینند.

شریف رضی با وجود تعدد مناصب رفیع و برجسته، در ایام حیات خود، قناعت را پیشه ساخت و زندگی ساده را برگزید (حسن، د.ت، ص ۵۳) همچنین معتقد بود که قناعت سبب راحتی و عزت^{۳۵} و کرامت و محبت است:

وَإِنِّي لَأَلْقَى رَاحَتِي فِي تَقْنَعِي
وَفِي طَلَبِ الْإِثْرَاءِ طَوْلُ عَنَائِيَا

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۸۸)

شاعر معتقد است تعلقات مادی جز عزت، حسرت و شقاوت به دنبال ندارد^{۳۶} و این همان حقیقتی است که انکار آن غیرممکن است؛ زیرا حب مادیات آثار نامیمونی دارد که از جمله این موارد است: حرص و طمع، مشکلات نفسانی، تفکر دائم در کیفیت افزودن مال، تلاش پیوسته در جهت حفظ ثروت و ایجاد آثار منفی بر شخص، خانواده و جامعه^{۳۷}. بنابراین شریف رضی تنها به ذکر مرض کفایت نمی‌کند؛ بلکه همانند طیبی ماهر و هوشمند علاج آن (= قناعت) را نیز ذکر می‌کند:

وَلَا طَالِبًا مِنْ دَهْرٍ فَوْقَ قُوَّتِهِ
كَفَانِي مِنَ الْغُدْرَانِ مَا نَقَعَ الصَّدَى
سَأَحْمَدُ عَيْشًا صَانًا وَجَهِي بِمَائِهِ
وَإِنْ كَانَ مَا أُعْطِيَ قَلِيلًا مُصْرَدًا

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۴)

أَلذُّ بِقَلْبِي مِنْ مُنَايَ تَقْنَعِي
وَأَحْسَنُ عِنْدِي مِنْ غَنَائِ غَنَائِي
وَمَنْ كَانَ ذَا نَفْسٍ تُطِيعُ قَنُوعَهُ
رَضِيَ بِقَلِيلٍ مِنْ كَثِيرٍ ثَرَاءِ

(همان، ج ۱، ص ۱۲)

میل به آخرت
↓
میل به واجب
↓
کوشش در طاعت

۴-۵- تقوا

شکی نیست که تقوا مهم‌ترین و محوری‌ترین رکن تربیت اخلاقی و فردی در اسلام است و در میدان معناشناختی زهد یکی از زیرساخت‌های مهم به شمار می‌آید. به بیان دیگر، انسان همواره نیازمند محافظی است تا سلامت و سعادت در آخرت را برای او به همراه داشته باشد و او را از آفات و مضرات دنیا مصون دارد؛ همانند سخن خداوند متعال: ﴿تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾^{۴۱} و تقوی در نظر اسلام همان حافظ و منجی انسان است.^{۴۲}

این درحالی است که زهد و تقوا همواره مکمل یکدیگرند؛ زیرا انسان خدا را از طریق تقوا حاضر و ناظر بر اعمال خود در هر مکان می‌بیند^{۴۳}؛ بنابراین بر نفس سرکش مسلط می‌شود و آن را از هواها و لذت‌های فانی حفظ می‌کند و تا زمانی که بعث و حساب برای انسان وجود دارد، خود را نیازمند عمل صالح و تزود به تقوا و نصب‌العین قراردادن سلوک صحیح اسلامی در زندگی می‌داند؛ همچنان‌که در سلوک عملی شریف رضی مشاهده می‌شود (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۲۳)؛ و بدون شک شریف رضی تحت تأثیر آیاتی است که روح اسلامی را منعکس و درس تقوا و دوری از هواهای نفسانی را در اشعارش عرضه می‌کند:

وَلِلنَّفْسِ فِي عَجْزِ الْفَتَى وَرِزْمَاعِهِ
زِمَامًا إِلَى مَا يَشْتَهَى وَعِقَالًا

شریف رضی با اشاره به آثار مثبت قناعت و ساده‌زیستی نظیر حفظ شرف و آبرو، عزت نفس، آرامش، لذت روح، مخاطب را به آن دعوت می‌کند؛ زیرا برترین معیار برای ثروتمندی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، زاهد کسی است که به آنچه خدا به او عطا می‌کند، قانع است و بر آنچه از دنیا از دست داده است، مأیوس نیست^{۳۸} و قلبش به غیر پروردگار تعالی تعلق ندارد^{۳۹} و آنچه در دست خداست، محکم‌تر از آنچه در دست اوست و از هرآنچه او را از یاد خدا و طاعت او مشغول می‌دارد، رویگردان است و همواره بر او توکل دارد: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^{۴۰}؛ بنابراین، زاهد حقیقی کسی است که براساس مکتب اسلام و رهنمودهای کلام وحی این‌چنین گام بردارد. وی میان خدا و مردم محبوبیت دارد؛ زیرا به سبب توکل و قناعت، دست به مهندسی نیازها، توجه‌نکردن به مادیات، رعایت حق‌الناس و اعراض از ظلم زده است و همواره ستایش می‌شود (نراقی، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۵۷).

حِبِّ نَاسٍ + حِبِّ الْهَيْ → لازم زهد

این درحالی است که چشمه‌های حکمت در قلبش جاریست و با بی‌میلی به هوس‌ها و دنیاطلبی، به حقایق جهان بینا می‌شود و به دارالسلام درمی‌آید (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، باب ذم دنیا).

بی‌میلی به حرام
↓
بی‌میلی به دنیاطلبی
↓
میل به آخرت

تَمِيلُ بِي الدُّنْيَا إِلَى كُلِّ شَهْوَةٍ
وَأَيْنَ مِنَ النُّجْمِ البَعِيدِ مَنَالُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۴)

أَكْبِحُ النَّفْسَ إِنْ جَمَحَتْ تَ إِلَى غَايَةِ بِهَا
أَنَا مَوْلَى لِشَهْوَتِي وَسِوَايَ عَبْدٌ لَهَا
(همان، ج ۲، ص ۵۶۸)

شریف رضی با اعتقاد به اینکه هواهای نفسانی و شهوات بر ذلت و ضعف برمی‌انگیزانند، به مناعت و پایداری طینت‌ش در برابر شهوات می‌بالد؛ زیرا دنیا زینت خود را برای او عرضه داشت و او رویگردان شد و دوری‌اش از این هواها را به مسافت ستارگان در آسمان تشبیه می‌کند. وی در ابیات اخیر به تقوی و رام کردن نفس سرکش^{۴۴} تصریح می‌کند که موجبات فخر و مباهات را برای انسان به ارمغان می‌آورد و با اسلوب وعظ و ارشاد، چونان واعظی دلسوز، طالب زهد را به عبادت و ترک دنیا و زخارف آن ارشاد می‌کند و مرگ را یادآور می‌شود که هیچ مانعی از آن نیست و همراه همیشگی اوست.

و هنگامی که شاعر از عشق سخن می‌گوید، قصد او همان عشق طاهر و عقیف‌عذری است و تمامی اشعارش در این غرض جز تمثیلی برای تقوی و طهارت و دوری از مفاسد نفسانی نیست:

عَفَافِي مِنْ دُونِ التَّقِيَّةِ زَاجِرٌ
وَصُؤُنُكَ مِنْ دُونِ الرَّقِيبِ رَقِيبٌ
عَشِيقْتُ وَمَالِي، يَعْلَمُ اللهُ، حَاجَةَ
سِوَى نَظْرِي، وَالْعَاشِقُونَ ضَرْوَبٌ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۴)

شریف رضی اهل هجو نبود و اگر به‌طور اتفاقی در شعرش هجایی می‌یابیم، تقوا و عفت و طهارت روحش مانع آن است که هوای نفس بر آن غلبه کند

و فحش و ناسزا از ارزش اشعارش بکاهد (قمی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ به‌طوری‌که در رابطه با خود معتقد است که جز با زبان عقل و منطق سخن نمی‌گوید:

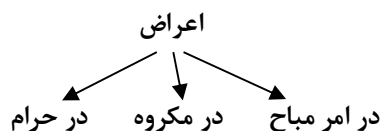
لِسَانِي حَصَاةٌ يَقْرَعُ الْجَهْلَ بِالْحِجِّي
إِذَا نَالَ مَنِّي الْعَاضِيَةُ الْمُتَوَتَّبُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۸)

مفهوم این ابیات، همان مفهوم اسلامی در لباس تقوی است که اساس عزت و کرامت محسوب می‌شود و از آیات قرآنی همچون ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾^{۴۵} سرچشمه گرفته است.

متقین با درک لذت پارسائی در دنیا، هدایت یافته‌اند^{۴۶} و به مقام یقین نائل شده‌اند و در روز قیامت در جوار جایگاه رفیع قرب الهی منزل گزینند. ایشان تمامی افعال را فانی در فعل حق و از باب ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾^{۴۷} می‌دانند و غیر از حق، به وجودی منحاز و مستقل اعتقاد ندارند (قاسانی، ۱۴۱۳، ص ۵۲)

و با این احتساب، درجات اعراض ناشی از تقوا در میدان معناشناسی زهد عبارتند از: اعراض در امر مباح، اعراض در امر مکروه، اعراض در امر حرام. پس تقوا مقوله مشترک معنوی است که عالی‌ترین درجه‌اش اعراض در امر حرام است (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ذیل حکمت ۱۰۴).



در این تقسیم‌بندی، اعراض متقین در زمره اعراض خواص قرار می‌گیرد؛ یعنی اعراض از دنیا و مهار نفس صرفاً در برابر ثواب بهشت نیست؛ بلکه اعراض از هرگونه امر غیرجاودانه و زوال‌پذیر و

سَأَصْبِرُ إِنْ الصَّبْرُ مُرٌّ صَدْرُهُ
أَلَا رَبِّمَا لَدَّتْ لِقَلْبِي عَوَاقِبُهُ

(همان، ج ۱، ص ۱۸۴)

شاعر در پایان این بیت به صابرین وعده پیروزی می‌دهد؛ زیرا اوضاع زمانه دائماً در حال تحول و تغییر مستمر است و در این میان، تحمل مصائب آسان نیست؛ اما انسانی که می‌تواند راه‌های سخت و پیچیده زندگی را با صبر بپیماید، به قله سعادت و مقام عالی نائل می‌شود که خداوند عزوجل صابران را به آن وعده داده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَآتُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^{۵۲}

بنا برآنچه در معناشناسی واژه «زهد» در منابع لغوی بیان شد، اغلب به معنی اعراض به کار می‌رود و مصدر آن در مجال دین، بر شکر بر حلال و صبر بر حرام و نتیجه آن، مژده خداوند به عاقبت نیکوست^{۵۳}. در این راستا، بیشتر کتب اخلاقی و عرفانی دو واژه «شکر و صبر» را هم‌زمان بررسی می‌کنند و ارتباط معنایی وثیق دارد. در این میان، صبر وجود معنایی گسترده‌ای دارد^{۵۴} که مشهورترین آن در میان مفسران قرآن سه قسم است: صبر بر طاعت و عبادت^{۵۵}، صبر بر معصیت^{۵۶} و صبر بر مصیبت^{۵۷}. دسته دوم (صبر بر معصیت) صعوبت و اهمیت بیشتری دارد و کلید فتح فضایل محسوب می‌شود^{۵۸} و مهم‌ترین آثار آن ثبات قدم^{۵۹}، تعامل منطقی^{۶۰} و شجاعت^{۶۱}، هدفمندی^{۶۲} و خشیت^{۶۳} است.

صبر از مقوله مشترک معنوی است که با دیگر مفاهیم و واژگان اخلاقی میدان معناشناسی زهد، همچون توکل^{۶۴}، جهاد^{۶۵}، تقوا^{۶۶}، انفاق^{۶۷} و بصیرت^{۶۸} ترکیب طبیعی و ارتباط ارگانیک مؤثر دارد که جنبه‌های معنایی را تکامل می‌بخشد و الگوی عملی و

انتهای مقام تسلیم نفس و ابتدای مقام رضا و قرب است.

۴-۶- صبر

تحمل مشقات و ایستادگی در مقابل گناهان و ملذات نفسانی و فانی و پست و دوری از متاع فریبنده دنیا^{۶۸} به صبر و اراده قوی نیاز دارد و این همان است که اسلام بر آن تأکید دارد: ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾^{۶۹} و شریف رضی، این اسوه صبر و اراده، دیگران را به صبر و تأنی و ممارست در ترک هوای نفسانی دعوت می‌کند؛ به طوری که از خود آغاز می‌کند و با تأسی از شیوه پیامبران، در مقابل هواهای نفسانی و مصائب روزگار و سختی‌های آن، تمام قد می‌ایستد و صبر پیشه می‌کند^{۷۰}:

فَاصْبِرْ، فَإِنَّ الصَّبْرَ أَحْرَى إِذَا
ضَاقَ عَلَيْكَ الْمَسْلَكُ الضَّايِقُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱)

شاعر بر صبر در مقابل سختی‌ها، مصیبت و فاجعه سخن می‌گوید و از ایمان به قضا و قدر، معانی‌ای را اتخاذ می‌کند که او را به سمت اهداف و تحقق تمایلات سوق می‌دهد تا قلبش به یأس گرفتار نشود و شاید این آن چیزی است که شریف رضی را در حکمتش متمایز کرده است و به راهی هدایت می‌کند که او را به مرادش می‌رساند و از سوی دیگر، شریف رضی خواننده را به پایداری دعوت می‌کند؛ زیرا صبر در راه مشکلات و تنگناها^{۷۱} بهترین راه برای پیروزی و نجات از آزمون‌های الهی است:

صَبْرًا فَمَا الْغَايِزُ إِلَّا مَنْ صَبَرَ
إِنَّ اللَّيَالِيَّ وَاعِدَاتُ بِالظَّفَرِ

(همان، ج ۲، ص ۵۲۱)

کاربردی به کار می‌رود و ترکیب هندسی آن مطابق آیات قرآنی است.

۴-۷- جهاد

زاهد برای دوری از غضب خداوند از گناهان واهمه دارد و از او طلب رحمت و غفران می‌کند و برای رسیدن به غایتش مجاهدت و سعی می‌کند و این همان زهد حقیقی است؛ به عبارت دیگر، ارزش انسان بر حسب عمل و سعی و جهاد اوست؛ آن‌چنان که قرآن جهاد را معیاری برای برتری انسان‌ها: ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ﴾^{۶۹} و شناخت مؤمن حقیقی: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^{۷۰} قرار می‌دهد. شریف رضی در اشعارش، هدف زهد را اصلاح نفس انسانی می‌داند (علی‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۱)؛ به طوری که نتیجه عملی آن حاصل نمی‌شود، مگر با مجاهدت و مقابله با هواهای نفسانی که همان جهاد اکبر یا احسن^{۷۱} است و عامل وصول به بزرگی و بی‌نیازی:

لِكُلِّ مُجْتَهِدٍ حَظٌّ مِنَ الطَّلَبِ
فَأَسْبِقْ بَعْرَمَكَ سِيرَ الْأَنْجُمِ الشُّهُبِ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۸)

وَمَا بَلَغَ الْمَرْمَى الْبَعِيدَةَ سِوَى امْرِئٍ
يُرْوَحُ وَيَغْدُو غُرْضَةً لِلْجَوَادِبِ

(همان، ج ۱، ص ۸۹)

أَرْجُو الْمَعَالِيَ بِغَيْرِ الطَّلَابِ
وَمِنْ أَيْنَ يَحْلُمُ مَنْ لَمْ يَنْمِ

(همان، ج ۲، ص ۳۷۵)

شاعر با نگاهی مثبت، سعی و جهاد مؤمنان پس از اتحاد^{۷۲} را راه وصول به اهداف بزرگ و مقامات بلند می‌شناسد و ایشان را به به‌کارگیری نیرو،

استعداد، قدرت و عزم و اراده و حرکت مانند ستارگان و شهاب‌های آسمان دعوت می‌کند. همچنین طالب عظمت را به سعی و تلاش بدون خستگی و رنج تشویق می‌کند و جایگاه ایشان را میان رستگاران در بهشت برین ذکر می‌کند.^{۷۳}

این درحالی است که توانایی، شجاعت و دانایی زاهد برای حضور در میدان‌های اجتماعی، علمی و سیاسی بسیار ضروری است. شریف رضی با التزام به عقاید دینی و آموزه‌های قرآن کریم، علاوه بر دارا بودن مناصب حساس سیاسی، در عرصه علمی و تربیت نسل جوان نیز فعالیت و خدمت کرد. وی آشکارا با قدرت و ایمان، شمشیر مبارزه با ظلم و جاه بنی‌عباس را از نیام برکشید و در جهت تحقق آرمان‌هایش با صراحت کامل در مقابل هیبت خلیفه عباسی ایستاد و اشعار زاهدانه‌اش را چونان سلاحی قوی در جهت جهاد سیاسی به‌کار گرفت تا ضمن دفاع از حقوق مسلم مظلومان^{۷۴}، عصر عدالت و حق را که اجدادش به آن فرا می‌خوانند، بازگرداند.

عظفاً أميرالمومنين! فإننا
في ذوْحَةِ الْعَلِيَا لَا نَتَفَرَّقُ
مَا بَيْنَنَا يَوْمَ الْفِخَارِ تَفَاوُتٌ
أَبْدأُ كَلَانَا فِي الْمَعَالِي مُعْرَقُ
إِلَّا الْخِلَافَةُ مِيزَتُكَ فَإِنِّي
أَنَا عَاطِلٌ مِنْهَا وَأَنْتَ مُطَوَّقُ

(شریف‌رضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۴)

اشعار مدح‌گونه او تنها در راه اهداف بلند به‌کار گرفته شده بود، نه در راه کسب رزق و تملق و یا کسب تأیید دیگران (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۹) و این بیت شاهد بر این مدعاست:

فَهَذَا ثَنَائِي لَأَ أَرِيدُ بِهِ الْغِنَى
أَبِي الْمَجْدِ لِي أَنْ أَجْعَلَ الْمَدْحَ

مکسب

(شریف رضی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۱)
همچنان که شاعر ما با فخر به حسب اصیل و نیکویش در راه تحقیق اهداف و اجرای عدالت و حق ایستاد:

مَنْ ذَا أَسَامِي وَجَدِّي النَّبِيِّ
أَمْ مَنْ أَطْوَلُ أَمْ مَنْ أَلْجِي
أَنَا ابْنُ الْأُمَمَةِ وَالنَّازِلِينَ
كُلُّ مَنِيْعِ الرَّبِّي وَالْبِرَاحِ

(همان، ج ۲، ص ۲۴۹)

أَبِي الْوَصِيِّ وَأُمِّي خَيْرُ وَالِدَةٍ
بِنْتُ الرَّسُولِ الَّذِي مَا بَعْدَهُ رُسُلٌ

(همان، ج ۱، ص ۱۸۱)

شاعر اسالیب مختلف بیانی (چون ندا، استفهام، تعجب، تکرار و...) را در شعر زهد برای رسم صور متحرک و زنده و پویای شعری به کار می‌گیرد. این درحالی است که الفاظش در ترکیب سهولت و روانی دارند تا مقطوعات شعری‌اش ضمن سرعت در حفظ و انتشار، بیشترین تأثیر را بر مخاطب داشته باشد. وعاظ و قصاص و تمامی مردم باوجود اختلافاتشان آن را سینه به سینه نقل می‌کنند و اساس زندگی‌شان را بر اساس مکارم اخلاقی و دینی بنیان می‌نهند.



۴-۸- زکات

سختی و مشکلات محرومان تمام زندگی زاهد را دربرمی‌گیرد و هرآنچه که از عمل و سعی ذخیره می‌کند، در راه مساعدت محتاجان و محرومان ب زیرا این خیررسانی براساس سخن خداوند از حقوق

محرومان محسوب می‌شود: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾^{۷۵} و وسیله‌ای برای اعتماد و ترقی انسان زاهد به سوی کمال و سبب زیادت آن^{۷۶} است. شریف رضی نسبت به یاری‌رساندن مساکین و اقامه عدالت و تصویر روح ایثار و مهربانی نزد زاهدان حقیقی در خلال اشعارش می‌گوید:

يا دهر! ماذا الطُّرُوقُ بِالْأَلَمِ
حَامٍ لَنَا عَنِ بَقِيَةِ الْكَرَمِ
إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ آخِذًا عِوَضًا
فَخُذْ حَيَاتِي وَدَعْ حَيَا الْأُمَمِ

(شریف رضی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۱)

وَلَيْسَ فَتَى مَنْ يَدْعَى الْبَأْسَ وَحَدَةً
إِذَا لَمْ يَعُوْذْ بِأَسْتِهِ سَخَاءً

(همان، ج ۱، ص ۱۱)

تَعَلَّمَ فَإِنَّ الْجُودَ فِي النَّاسِ فِطْنَةٌ
تَنَاقَلَهَا الْأَحْرَارُ، وَالطَّبْعُ أَغْلَبُ

(همان، ج ۱، ص ۱۰۸)

شاعر طاقت و تحمل رؤیت مصائب و سختی‌های مردم را ندارد؛ بنابراین برای تقدیم روحش آماده می‌شود تا بلايا و مصائب روزگار را از ایشان دفع و زندگی آرامی را به ایشان هدیه کند. وی ضمن تأکید بر ملاحظات اخلاقی، همانند فعل انبیاء، زهد واقعی را در سایه مساعدت محرومان و محتاجان ذکر می‌کند و قوه و شهامت را در مساعدت به ایشان می‌داند، نه در قوای جسمانی و یا جایگاه اجتماعی (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۳۳). ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^{۷۷} از نگاه شاعر، بذل عطاء، حمایت از دیگران و عطف بر ایشان، اصلی اساسی در حوزه اخلاق اسلامی به شمار می‌آید و ازجمله صفات

انسان آزاد زاهد است و به‌عنوان طبع نه تطبع و رأس بی‌نیازی و جود مطرح می‌کند. بنابراین ذکر زکات در اشعار زهد منبعث از تأکیدات قرآن کریم^{۷۸} است و شاخه‌ای اساسی از فروع دین محسوب می‌شود که هر کسی که آن را اقامه کند، دین را اقامه کرده است و این هویت اصلی زاهد است.

۵- نتیجه

- زهد ازجمله مفاهیم اساسی است که قرآن کریم در بسیاری از آیات خود به آن اشاره کرده و به دنبال آن، مردم را نسبت به مبادی اخلاقی و رویگردانی از دنیای فانی و زینت‌های آن و برگیری توشه تقوی برای آخرت امر کرده است.

- به دنبال تناقض در شرایط سیاسی و اجتماعی و افزایش لهو، ظلم و فقر، شعر «زهد ایجابی» در عصر عباسی گسترش و نشأت اسلامی خالص یافت. اصول اولیه‌اش را از معانی و الفاظ قرآن کریم اتخاذ کرده بود.

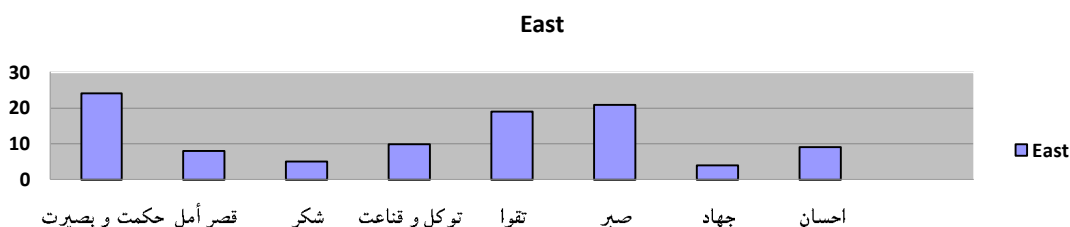
- شریف رضی، مهم‌ترین شاعر شیعی این دوره، برای ارائه جهان‌بینی جامع و نقشه راه کامل سعادت، معانی زهد را در اشعار خود به شکلی متمایز و برای

تمامی جوانب زندگی دنیوی و اخروی به‌کار گرفت. وی با رویکرد تعلیمی و به دنبال نشأت در فرهنگ اسلامی - شیعی اشعاری مملو از حکمت و اشارات فراوان سرود که به کیفیت و سهولت الفاظ آمیخته است. حرارت عاطفه، الوان تفکر، فلسفه و ابتکار ازجمله ویژگی‌های آن است؛ زیرا در لفظ و معنا و فکر، منبعث از کلام وحی است. وی با هدف نزدیک‌کردن کلام به فهم عامه مردم و تنبیه و تفکر ایشان، انواع مختلف اسالیب بیانی چون تکرار، استفهام، نهی، امر و ندا را به‌کار گرفت.

- با تأمل در تطور دلالتی و سیر معناشناختی زهد و دقت در معنی حقیقی آن در قرآن کریم دریافته می‌شود که قرآن کریم میدان معناشناسی واژگان مرتبط با زهد در یک سیستم پیشرفته را ترسیم می‌کند که این مقاله ضمن کشف این رابطه، کاربرد آن را در دیوان این رائد عالیقدر شیعی گواه بر این مطلب می‌داند.

- انواع و کمیت واژگان اخلاقی مرتبط در میدان معناشناسی سیستماتیک زهد در نمودار زیر رسم شده است که ضمن تأسی از کلام وحی، به شکل واضح در دیوان شریف رضی به‌کار رفته است.

نمایش سیستماتیک میدان معناشناسی زهد



فروش وی بی‌اعتنا بودند. در معنی کلمه زاهدین برخی گفته‌اند: یعنی کسانی که با فروش یوسف شاد نبودند و درواقع راغب به این معامله نبودند؛ زیرا علامات آزادگان و بزرگ‌زادگان را در او دیدند و بیم

پی‌نوشت

۱- ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾ (یوسف: ۲۰) ترجمه: آنان یوسف را به بهایی ناچیز و درهم‌هایی چند فروختند و به

زهد بالله) یا زهد إلی الفناء نوعی است که اولیای الهی به این مقام دست می‌یابند و حزن و خوفی از سرکشی نفس نیست؛ زیرا نفس ایشان رام شده است و زهد در دنیا به اختیار حق پس از فناء، اختیاری است که آنان پشت سرگذاشتند. به بیان دیگر، در این زهد انتهای، اراده سالک، فانی در اراده حق است؛ به طوری که خوف‌ها و حزن‌ها مبدل به خشیت، معرفت، یقین و رضا شده است. بنابراین زهد از مقوله مشترک معنوی است و تفاوت در درجات آن به حالات متفاوت سالک بستگی دارد و مشخصات مخصوص دارد (کاشانی، ۱۳۲۵، ص ۳۷۴).

- ۱۲- مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۳۱
- ۱۳- (قصص: ۷۹-۸۰)، (قصص: ۵۴)، (کهف: ۷)، (شوری: ۲۰)، (طه: ۱۳۱)، (ابراهیم: ۳)
- ۱۴- (یوسف: ۱۰۸)
- ۱۵- (آل عمران: ۱۸۶)، (لقمان: ۱۷)
- ۱۶- (حدید: ۲۳)
- ۱۷- (قیامه: ۱۴)
- ۱۸- (منافقون: ۹)
- ۱۹- (نحل: ۹۶)، (اعلی: ۱۷-۱۶)، (طه: ۱۳۱)
- ۲۰- (حج: ۱۱)
- ۲۱- (النساء: ۷۸)، ترجمه: هر جا که باشید ولو در حصارهای سخت استوار، مرگ شما را درمی‌یابد و همچنین (الأنعام: ۳۲)، (الإنسان: ۲۷) و اختصاص ۳۰ آیه در قرآن کریم به این موضوع.
- ۲۲- (لقمان: ۳۴)؛ ترجمه: و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد.
- ۲۳- (شعراء: ۸۸)، (سجده: ۲۹)
- ۲۴- (توبه: ۳۸)
- ۲۵- (هود: ۵۹)

آن داشتند که در فروش و دورکردن او، عذاب و بلا متوجه آن‌ها شود. و برخی دیگر معتقدند مراد، آنانی است که به قیمت معامله راغب نبودند؛ زیرا این مالی بود که ناگهانی برای تجارت در راهشان پیدا کرده بودند و نتیجه سود عمل یا تجارتشان نبوده است (طبرسی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۱۸۴)؛ و ممکن است در اینجا «زهد» کنایه از «برحذر بودن» باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۴۴).

- ۲- (آل عمران: ۱۸۵)، (فاطر: ۵)، (لقمان: ۳۳)
- ۳- (المنافقون: ۹)
- ۴- (الکهف: ۴۶)
- ۵- (الشعراء: ۹۰)
- ۶- (مائده: ۸۵)، (هود: ۶۱)، (بقره: ۲۷)، (انعام: ۱۴۱)
- ۷- (حدید: ۲۷)، ترجمه: و رهبانیتی که به بدعت آورده‌اند.
- ۸- (آل عمران: ۱۵۲) ترجمه: تا بر آنچه از دستتان می‌رود، اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید، شادمانی نکنید و خدا هیچ متکبر خودستاینده‌ای را دوست ندارد.
- ۹- (أعراف: ۳۱)، (قصص: ۷۶)، (نساء: ۵)
- ۱۰- (حشر: ۹)، ترجمه: و دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند، هرچند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند، رستگارانند.
- ۱۱- در بیان معانی انواع و اقسام زهد به موارد زیر اشاره کرده‌اند: أ- (زهد جذبه‌ای = ابتدائی) یا زهد إلی الجنة که از نوع زهد خواص به شمار می‌آید و خوف و حزنی دارد که بر دل فرود آید و زاهد همواره بایستی با نفس سرکش خود به مقابله برخیزد. به بیان دیگر، دربردارنده حزن و خوف است. ب-

- ۲۶- (سوره نجم: ۲۴-۲۶)
- ۲۷- (قصص: ۷۹)، (عمران: ۱۸۸)، (قصص: ۸۳)، (توبه: ۵۵ و ۸۵)، (حجر: ۸۸) و (طه: ۱۳۱)
- ۲۸- (نساء: ۴۰)، (فرقان: ۲۷)، (حاقه: ۲۶)، (فجر: ۲۵)، (انعام: ۲۷)
- ۲۹- (نساء: ۱۲۰)، ترجمه: به آنها وعده می‌دهد و به آرزویشان می‌افکند و شیطان آنان را جز به فریب وعده ندهد.
- ۳۰- (مائده: ۸۸)، ترجمه: از این چیزهای حلال و پاکیزه بخورید که خدا به شما روزی داده است و اگر خدا را می‌پرستید، شکر نعمتش را به جای آورید. همچنین (نحل: ۱۱۴) او (تحریم: ۱)
- ۳۱- (حجر: ۸۸)، (طه: ۱۳۱)، (توبه: ۵۵)
- ۳۲- (مائده: ۱۱)، (ابراهیم: ۱۲)
- ۳۳- (طلاق: ۲-۳)
- ۳۴- (نحل: ۹۹)
- ۳۵- (آل عمران: ۱۵۹)
- ۳۶- (هود: ۱۵ و ۱۶)
- ۳۷- (حدید: ۲۰)
- ۳۸- (ابراهیم: ۱۲)، (آل عمران: ۱۵۹)، (انفال: ۴۹)، (آل عمران: ۱۷۳)
- ۳۹- (بقره: ۱۵۵)، (نحل: ۴۲)
- ۴۰- (انفال: ۶۱) ترجمه: و بر خدا تکیه کن که او شنوای داناست. همچنین (شعراء: ۲۱۷)، (احزاب: ۴۸)
- ۴۱- (بقره: ۱۹۷) ترجمه: و توشه بردارید که بهترین توشه‌ها پرهیزگاری است.
- ۴۲- (انفال: ۲۹)، (بقره: ۱۹۴)، (مریم: ۶۳)، (اعراف: ۹۶)، (نساء: ۷۷)، (آل عمران: ۱۹۸)، (الزمر: ۷۳ و ۲۰)
- ۴۳- ﴿ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲) ترجمه: آری، کسانی که شعائر خدا را بزرگ می‌شمارند، کارشان نشان پرهیزگاری دل‌هایشان باشد.
- ۴۴- (النازعات: ۴۰)، (یوسف: ۵۳)
- ۴۵- (حجرات: ۱۳) ترجمه: هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست، خدا دانا و کاردان است.
- ۴۶- ﴿وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ (محمد: ۱۷)، ترجمه: آنان که هدایت یافته‌اند، خدا به هدایشان می‌افزاید و پرهیزگاریشان ارزانی می‌دارد.
- ۴۷- (انفال: ۱۷)، ترجمه: و آنگاه که تیر می‌انداختی، تو تیر نمی‌انداختی، خدا بود که تیر می‌انداخت.
- ۴۸- خویشتن‌داری و خودکنترلی (بقره: ۶۱)، (بقره: ۱۵۵)، (آل عمران: ۱۳۴)، (یوسف: ۹۰)
- ۴۹- (شوری: ۴۳)
- ۵۰- (انفال: ۶۵)، (احقاف: ۳۵)
- ۵۱- (بقره: ۲۱۴)
- ۵۲- (آل عمران: ۲۰۰) همچنین (بقره: ۴۵ و ۱۵۳ و ۲۵۰)، (بلد: ۱۷)، (شوری: ۴۳)، (احقاف: ۳۵)، (یونس: ۱۰۹)، (نحل: ۱۲۶)، (طور: ۴۸)، (مزمّل: ۱۰)، (اعراف: ۱۲۶)، (هود: ۱۱ و ۴۹)، (معارج: ۵)، (اعراف: ۸۷)، (نحل: ۹۶)، (طه: ۱۳۰)، (مؤمنون: ۱۱۱)، (عنکبوت: ۵۹)، (حجرات: ۵)، (فصلت: ۳۵)، (قمر: ۲۷)، (قلم: ۴۸)
- ۵۳- (فصلت: ۳۴-۳۵)، (بقره: ۱۵۵ و ۱۷۷)

۷۰- (حجرات: ۱۵) ترجمه: مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده‌اند و دیگر شک نکرده‌اند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده‌اند. اینان راستگویانند. همچنین (توبه: ۴۱ و ۱۱۱ و ۱۱ و ۳۶)، (انفال: ۷۴)، (بقره: ۲۱۶)

۷۱- (نحل: ۱۲۵)

۷۲- (توبه: ۳۶)، (انفال: ۶۵)

۷۳- (نساء: ۹۵)، (توبه: ۱۱۱)، (توبه: ۲۰)

۷۴- (نساء: ۷۵-۷۷)، (حج: ۳۹)، (توبه: ۷۳)

۷۵- (ذاریات: ۱۹)

۷۶- (روم: ۳۹)، (بقره: ۲۷۷ و ۲ و ۸۳ و ۱۱۰ و

۱۷۷)

۷۷- ترجمه: (حشر: ۹)

۷۸- (بقره: ۴۳ و ۸۳ و ۱۱۰ و ۱۷۷ و ۲۷۷)، (نساء:

۷۷ و ۱۶۲)، (مائده: ۱۲ و ۵۵)، (اعراف: ۱۵۶)، (توبه:

۵ و ۱۱ و ۱۸ و ۷۱)، (مریم: ۳۱ و ۵۵)، (انبیاء: ۷۳)، (حج:

۴۱ و ۷۸)، (نور: ۳۷ و ۵۶)، (نمل: ۳)، (لقمان: ۴)،

(احزاب: ۳۳)، (فصلت: ۷)، (مجادله: ۱۳)، (مزمّل:

۲۰)، (بینه: ۵)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی تمیمی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، غرر الحکم ودرر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
۳. ابن الأثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۴. الجوزیه، ابن قیم (۱۹۹۴م)، بدائع الفوائد، تحقیق بشیر محمد عیول، بیروت: مکتبه البیان.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.

۵۴- از جمله آن، صبر در ایمان و عقیده (نحل:

۱۲۷)، صبر در انجام تکالیف (نوع غالب پیامبران) و صبر در افعال اخلاقی است.

۵۵- (طه: ۱۳۲)، (مریم: ۶۵)، (طه: ۱۳۲)، (بقره:

۱۵۵-۱۵۶)

۵۶- (آل عمران: ۱۸۶)، (اعراف: ۸۷)، (هود:

۱۱۵) از دیدگاه قرآن، صبر غالب پیامبران (چون

ایوب و اسماعیل(ع)) از نوع صبر بر طاعت و مصیبت است.

۵۷- (یوسف: ۹۰)، (بقره: ۱۵۵-۱۵۷)، (بقره:

۱۷۷)، (فصلت: ۳۴-۳۵)

۵۸- (بقره: ۱۵۷)

۵۹- (آل عمران: ۱۲۰)

۶۰- (مزمّل: ۱۰)، (بقره: ۱۵۵)

۶۱- (بقره: ۲۵۰)

۶۲- (انشراح: ۵ - ۶)، (نحل: ۹۶)، (بقره: ۱۵۵)،

(بقره: ۲۱۴)، (آل عمران: ۱۴۲)

۶۳- (قیامه: آیه ۲۱-۲۰)، این در حالی است که

قرآن کریم مهم‌ترین علل انحراف بشر را صبرنداشتن در برابر دنیاطلبی می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ذیل آیه ۸۵ سوره انبیا).

۶۴- (نحل: ۴۲)، (عنکبوت: ۵۹)، (ابراهیم: ۱۲)

۶۵- (نحل: ۱۱۰)، (محمد: ۳۱)

۶۶- (آل عمران: ۱۲۰ و ۱۸۶ و ۲۰۰)،

(یوسف: ۹۰)

۶۷- (رعد: ۲۲)

۶۸- (بقره: ۲۵۰)

۶۹- (نساء: ۹۵) ترجمه: جهادکنندگان را بر آنها

که از جهاد سر می‌تابند، به مزدی بزرگ برتری نهاده است. همچنین (محمد: ۴)

۶. پالمر، فرانکر (۱۳۶۶ش)، معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۷. حسن، محمد عبد الغنی (د.ت)، الشریف الرضی، قاهره: دار المعارف.
۸. راغب الإصفهانی، ابولقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۹. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق علی هلالی، بیروت: دارالفکر.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین (د.ت)، دیوان، بیروت: دار صادر.
۱۱. شعراوی، احمد ابراهیم (۱۹۶۹م)، الأمویون أمراء الأندلس الأول، بیروت: دارالنهضة العربیه.
۱۲. ضیف، شوقی (۱۹۷۶م)، العصر العباسی الأول، مصر: دار المعارف.
۱۳. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۵۱ش)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه سیده‌اشم رسولی محلاتی، تهران: فراهانی.
۱۴. عاملی، السید محسن الأمين (۱۴۰۳ق)، أعیان الشیعه، تحقیق: حسن الأمين، بیروت: دارالتعارف.
۱۵. عبدالحلیم، رافع اسعد (۱۹۷۵م)، شعر الزهد والتصوف فی القرنین ۳ و ۴ق، رساله کارشناسی ارشد، بغداد: جامعه الآداب.
۱۶. علی‌زاده، محمدجواد (۱۳۷۴ش)، زهد راستین، مشهد: سعید.
۱۷. فاخوری، حنا (۱۳۸۵ش)، تاریخ الأدب العربی (الأدب الحدیث)، قم: منشورات ذوی القربی.
۱۸. فروخ، عمر (۱۹۷۲م)، تاریخ الأدب العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۹. فیصل، شکری (۱۹۶۵م)، أبوالعتاهیه اشعاره و اخباره، دمشق: مطبعه الجامعه.
۲۰. قثمی، سفیر (۲۰۰۸م)، شعر الدعوه الإسلامیه، عربستان سعودی: دانشگاه مدینه منوره.
۲۱. قمی، الشیخ عبّاس (۱۳۸۹ق)، الکنی والألقاب، نجف: المطبعه الحیدریه.
۲۲. کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۲۵ش)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح: دکتر جلال الدین همایی، تهران: هما.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ش)، اصول کافی، قم: دار الحدیث.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. محمدحسین، محمد (۱۹۸۰م)، تحقیق فی دیوان الأعشى الكبير، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۶. نورالدین، حسن جعفر (۱۴۱۱ق)، الشریف‌الرضی حیاتہ وشعره، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البت (ع).
۲۸. نوفل، محمد (۱۹۸۱م)، المختار من الشعر والشعراء فی العصر العباسی، نابلس: مطبعه النصر.

۳۱. بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۵ش)، شرح نهج البلاغه،

مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۳۲. قمی، عباس (۱۳۶۳)، سفینه البحار و مدینه

الحکم و الاثار، تهران: فراهانی.

۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان

فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه

علمیه.

۳۰. القاسانی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۴۱۳ق)،

شرح منازل السائرين، تحقیق و تعلیق: محسن

بیدار فر، قم: انتشارات بیدار.

